روزنامه سیستان و بلوچستان
دوشنبه۱۸ بهمن ۱۳۹۵ . ۸جمادی‌الاول ۱۴۳۸ . شماره۷۶۸
www.khorasannews.com
e-mail:info@khorasannews.com
۴ گزارش

سرپرستی‌زاهدان: خیابان مولوی-نبش مولوی۲۱
تلفن آگهی‌واشتراک: ۳۳۲۱۷۸۶۶ ۰۵۴
تلفن مسئول تحریریه: ۳۳۲۱۷۸۶۹ ۰۵۴
نمابر تحریریه: ۳۳۲۱۷۸۶۴ ۰۵۴
تلفن‌های تحریریه: ۳-۳۳۲۱۷۸۶۲ ۰۵۴
تلفن‌ونمابرسرپرست دفتر: ۳۳۲۱۷۸۶۵ ۰۵۴
چاپخانه: شهرچاپ‌خراسان

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی زاده
دفترمرکزی: مشهد، بلوارسازمان آب
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰ - ۰۵۱
نمابرشهرستان‌ها: ۳۷۶۷۴۳۳۴ ۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

خاطرات روزهای انقلاب؛روزآتش وخون درزاهدان

ذوالفقاری- «در حالی که ۳۰ هزار نفر از طبقات مردم زاهدان از جمله برادران اهل تسنن زاهدان در حال راهپیمایی به حمایت از امام خمینی (ره) و تایید دولت بازرگان بودند گروهی چماق به دست به راهپیمایان حمله کردند و ۶۲ کشته و زخمی به جا گذاشت. طبقات مردم زاهدان در مسجد جامع این شهر جمع شدند و سپس راهپیمایی خود را در خیابان ها با نهایت آرامش آغاز کردند. در تقاطع خیابان های صنایی و دکتر مصدق گروهی با چماق و سنگ به راهپیمایان حمله کردند، یکی از چماق به دست ها با وانت بار به جمعیت زد و یک نفر به نام تیمور مرادقلی شهید شد. او دبیر بود و چند نفر دیگر نیز مجروح شدند راهپیمایان مسیر خود را ادامه دادند اما در مقابل مسجد جامع شهر چماق به دست ها زیرپوشش حمایت مأموران، مجدد به مردم حمله کردند. در این حمله یکی از راهپیمایان به نام محمدرضا رزمجو بر اثر اصابت گلوله شهید شد و بیش از ۶۰ نفر دیگر مجروح شدند و به بیمارستان کورش کبیر انتقال یافتند.محمدحسین زینعلی، خیرمحمد براهویی، محمدعلی محمدی، حمید رضوانی، رضا سلیمانی، غلامرضا نصرآبادی، یونس آهنگری، محمدرضا غلامپور، حسین توکلی، حیدر نظامی، عبداله القانی، شندی شهنوازی، محمود یزدی، برات رضایی، علی نارویی، تقی قزلباش، عبدالعزیز شه منش، ظریف ریگی، محمود محمدی، حمید فریدونی، حسن کبیری، حسین سمیعی، حسن صباغ، جهانگیر نارویی، علی آذرکیش، محمود آرامی، گل محمد یوسف زهی، میر بلوچ زهی، سیدرضا عمرانی، احمد رمضان گمشادهی، محمد ورقانی، احمدعلی مهاجر، اله داد قنبرزهی، حسین لطفی، منور ریگی، غلامرضا رسولی، محمد عظیم مرجانی، هنظه توکلی و تقی نصرآبادی ۳۹ نفر از مجروحان آن حادثه بودند، چماق به دست ها همچنین در خیابان ها جلوی اتومبیل ها را گرفته و از سرنشینان آن ها می‌خواستند تا بگویند زنده باد شاه و بیش از یکصد اتومبیل را خرد کردند. همچنین چماق بدست ها به مغازه ها حمله کردند و ضمن آتش زدن و خرد کردن شیشه های بسیاری از مغازه ها چندین مغازه از جمله یک بقالی و جواهرفروشی، ساعت سازی و صرافی را غارت کردند.»این مطلب قسمتی از متن روزنامه های بهمن ماه ۱۳۵۷ است، در آن روزها مردم سیستان و بلوچستان و به ویژه زاهدان همچون دیگر ایرانیان جانانه برای پیروزی انقلاب اسلامی تلاش می کردند، به خیابان ها می آمدند و علیه رژیم ستم شاهی شعار می دادند، اما واکنش ها هم از جانب مردم و هم از طرف عوامل رژیم در روزهای ۱۷ و ۱۸ بهمن به اوج خود رسید به گونه ای که در ۱۷ بهمن مردم زاهدان، اعم از شیعه و سنی که به پشتیبانی دولت مهندس بازرگان دست به راهپیمایی زده بودند، از سوی چماق به دستان مورد هجوم قرار گرفتند و در این حادثه، ۶۲ نفر کشته یا زخمی شدند.

استفاده از گاز اشک آور

یکی از افرادی که آن روزها در راهپیمایی ها شرکت داشت و از شاهدان اتفاقات بهمن ۵۷ بود می گوید: کلاس پنجم ابتدایی بودم، اگرچه سنم کم بود اما به واسطه صحبت های معلم و آنچه پدر و مادرم می گفتند با جریانات آن روزها آشنا بودم، در یکی از روزهای بهمن ۵۷ با همکلاسی هایم در مدرسه حضور داشتیم پس از این که متوجه شدیم معلممان آماده حضور در راهپیمایی علیه حکومت شاه است با او همراه شدیم.«رشید ذوالفقاری» ادامه می‌دهد: خیابان شهید بهشتی تقاطع مصطفی خمینی فعلی مملو از جمعیت برای انجام تظاهرات بود، در قسمتی دیگر از خیابان نیز موافقان رژیم حضور داشتند و سعی می کردند مانع حضور مردم در راهپیمایی شوند، اما طرفداران امام (ره) از کار خود دست برنداشتند و به راهپیمایی ادامه دادند، تا این که نیروهای نظامی وارد عمل شدند و به واسطه گاز اشک آور مردم را متفرق کردند. برخی از نیروها هم با استفاده از توپ، تانک و چماق به مردم حمله ور شدند، به واسطه پخش شدن گاز اشک آور در فضا چشم هایمان به خوبی نمی دید تا این که خود را به یکی از کوچه ها رساندیم و نقش بر زمین شدیم و بعد لحظاتی توانستیم به منزلمان برگردیم.

تظاهرات در زاهدان

یکی از مجروحان تظاهرات بهمن ۵۷ در زاهدان نیز می گوید: ۱۸بهمن ماه مردم زاهدان همزمان با دیگر شهرهای کشور علیه رژیم ستم شاهی راهپیمایی خود را علیه رژیم شروع کردند، مکان اصلی تجمع مردم مسجد جامع زاهدان بود و پیش روی جمعیت روحانیان شهر بودند و در رأس همه مرحوم آیت ا... کعفمی خراسانی که امام جمعه و روحانی سرشناس بود علیه رژیم شعار سرمی دادند. «رضا سلیمانی» ادامه می دهد: یکی از اتفاقات بسیار جالبی که در استان اتفاق افتاد و کمتر به آن پرداخته و توجه می شود و معتقدم که بسیاری از مردم هم اطلاعی ندارند که در زاهدان چه اتفاق افتاد ۱۸ بهمن سال ۵۷ بود. موضوع از این قرار بود که هر چه از ۱۲ به ۲۲ بهمن نزدیک تر می شدیم رژیم، فشار خود را بر انقلابیون بیشتر می کرد و به هر طریقی مقدور بود سعی می کرد از انجام راهپیمایی و تظاهرات مردم علیه حکومت ممانعت کند. به گفته وی، آن روز حسینیه رضوی خراسانی ها محل تجمع مردم بود، قرار بود که راهپیمایی از آن جا به مرکز شهر و در نهایت به سمت مسجد جامع انجام شود وقتی مردم برای راهپیمایی آماده شدند فرماندار نظامی آن زمان سرلشکر اسماعیل اسپهرم به مرحوم آیت ا... کفعمی گفت که حق برگزاری راهپیمایی ندارید و راهپیمایی ممنوع است اما مردم آماده انجام راهپیمایی شدند و آیت ا... گفت هرگونه شده است راهپیمایی انجام می شود.با این تفاسیر مردم آماده راهپیمایی شدند از حسینیه که بیرون آمدیم با طرفداران شاه مواجه شدیم که به جمعیت حمله ور شدند و اجازه نمی دادند راهپیمایی انجام شود. راهپیمایی از خیابان شهید بهشتی تقاطع خیابان مصطفی خمینی آغاز شد از انتهای جمعیت که خواهران حضور داشتند صداهایی به گوش می‌رسید، به همراه تعدادی از جوانان از صف راهپیمایی جدا شدیم و مشاهده کردیم که طرفداران رژیم با چوب و سنگ به انتهای جمعیت حمله ور شدند تا راهپیمایی را به هم بزنند. با کمک خواهران با عوامل رژیم درگیر شدیم و راهپیمایی حالت طبیعی خود را از دست داد و مردم همچنان شعار می دادند و به طرف مسجد جامع که پناهگاه و مامن آنها بود می رفتند.وی اضافه می کند: بعد از این که درگیری با عوامل رژیم پایان یافت به تقاطع خیابان های مصطفی خمینی و شریعتی رسیدیم زمان بازگشت مأموران رژیم راه ها را بسته بودند و ناگهان یک خودرو با آخرین سرعت به جمعیت حمله کرد و به نوعی زاهدان به آتش و خون کشیده شد، در همان روز ما شهید هم داشتیم و مجروحان حادثه به بیمارستان خاتم الانبیا(ص) فعلی منتقل شدند، زمانی که به هوش آمدیم متوجه شدیم که قرار است ساواک مجروحان را با خود ببرد تا این که مردم از موضوع مطلع شدند و برای کمک مجروحان به بیمارستان آمدند و من توسط معلمم به خانه منتقل شدم.

سلیمانی که معاون سیاسی دفتر نماینده ولی فقیه در استان است اظهار می کند: با توجه به این که زاهدان شهر مهاجرپذیری است افرادی که در این شهر حضور می یابند بعد از مدت کوتاهی به استان های خود باز می گردند، بنابراین حوادث انقلاب در زاهدان گمنام می ماند و کسی نیست که خاطرات را بازگو کند به عنوان نمونه روزشمار انقلاب در خیابان آزادی نصب شده است و در آن از واقعه ۱۸ بهمن خبری نیست در حالی که باید ۱۸ بهمن به عنوان یک نماد برای مردم ما معرفی شود اما کسی از آن روز اطلاعی ندارد و شاید برخی هم نمی خواهند که درباره این روز اطلاع رسانی شود. همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب شبکه های محلی هر شهر رویدادها و راهپیمایی های آن زمان را پخش می کنند اما در زاهدان از این خبرها نیست که باید از دستگاه های اجرایی مربوطه انتقاد کرد.

شعارهای آن روزها

وی می گوید: آن روزها مردم زاهدان جلوی توپ و تانک راه می رفتند اما به آن ها اجازه راهپیمایی داده نمی شد، مأموران طرفدار رژیم در کنار مسجد جامع کمین می کردند و به محض این که یک انقلابی بیرون می آمد او را کتک می زدند، شعارهایی که سرمی دادند متفاوت با شرایط روز بود رژیم سلطنتی تصور می کرد که مردم با شاه کاری ندارند و مخالف دولت هستند، آن زمان هویدا نخست وزیر بود به همین دلیل شاه به صورت عجولانه نخست وزیر ۱۳ ساله خود را برکنار کرد، بعد از هویدا شریف امامی نخست وزیر شد اما او هم موفق نبود، تا نوبت به کابینه های نظامی رسید و بعد هم بختیار نخست وزیر شد، اما مردم با شعار «مرگ بر شاه» به او فهماندند که با خود شاه مخالفند و نیازی به تغییر نخست وزیر نیست آن ها شاه را نشانه می گرفتند و می گفتند «تا شاه کفن نشود این وطن، وطن نشود»، «مرگ بر بختیار نوکر بی اختیار»، اما شعارهای روزهای اول که به واسطه آن می خواستند خط مشی انقلاب را به جهانیان نشان دهند «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود و گاهی هم مردم به نفع امام (ره) شعار می دادند و می گفتند «وای به حالت بختیار اگر خمینی دیر بیاد» زیرا بختیار اعلام کرده بود که به هواپیمایی که قرار است امام را از پاریس به ایران منتقل کند اجازه فرود نمی دهد، به همین دلیل در محوطه فرودگاه مهرآباد توپ و تانک قرار داده بودند تا هواپیما فرود نیاید اما مردم به مهرآباد هجوم آوردند و رژیم مجبور شد که اجازه فرود بدهد. امام به لطف خدا و با وجود این که مردم در آن زمان نگران حالشان بودند به ایران آمدند، مردم به دستور و رهبری امام (ره) به خیابان ها ریختند و این باعث شد انقلاب به پیروزی برسد.وی می گوید: نیروهای رژیم در روز راهپیمایی با استفاده از گاز اشک آور از اقدام مردم جلوگیری می کردند همه نیروهای انتظامی داخل شهر بودند و حتی در مسجد جامع از گاز اشک آورا استفاده می کردند! شرایط خیلی سخت بود هم باید مواظب مأموران نظامی می بودیم و هم طرفداران شاه، هر دو طرف مردم را کتک می زدند گاهی جلوی ما را می گرفتند و می خواستند که علیه امام (ره) شعار بدهیم. آن ها عکس امام(ره) را دست هر کس که می دیدند او را کتک می زدند. وی تأکید می کند: حوادث زاهدان بازگو نمی شود در صورتی که انتظار می رود افرادی که در این زمینه اطلاعاتی ندارند از افرادی که سند انقلاب هستند درباره آن روزها بپرسند، در این استان هم، مردم همگام با دیگر انقلابی ها بودند که انتظار می رود رسانه ها موضوع های انقلاب را به تصویر بکشند و بازگو کنند.

روایت عکاس و فیلم بردار زاهدان از راهپیمایی ۱۷ بهمن ۵۷

مرادبیکی- عکاس و فیلم بردار استان با اشاره به روزهای انقلاب در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ در زاهدان می گوید: بازگو کردن خاطرات آخرین روزهای دولت شاهنشاهی ایران و پیروزی انقلاب برای همه کسانی که آن روزها را لمس کرده اند سرشار از هیجان و شور است. در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ راهپیمایی های مردم در سراسر کشور فراگیر شده بود. زنان با کودکان در آغوش و مردان نیز به صورت دسته ای از صبح به خیابان ها می آمدند و با شعارهای کوبنده خواستار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بودند.«حمید ریسباف» می افزاید: روز ۱۷ بهمن ماه بود، طبق برنامه قبلی بر روی یکی از پشت بام های خیابان محل تجمع مردم دوربینم را نصب کردم و از لحظه های حضور گسترده مردم فیلم می گرفتم. شیعه و سنی در کنار هم حضور داشتند و زنان با چادرهای رنگی به همراه همسران و فرزندانشان به خیابان آمده بودند. خستگی مردم از رژیم شاهنشاهی در شعارهایی که هر لحظه بلندتر می شد قابل درک بود. وی ادامه می دهد: نزدیک ظهر بود و هوا رو به گرمی می رفت که به یک باره نیروهای شهربانی با اسلحه و چوب به مردم حمله کردند. مردم خواستار صحبت با آنها شدند ولی گوش نمی دادند و چون اجازه تیرباران داشتند با بی رحمی نوک اسلحه های خود را رو به مردم نشانه می گرفتند و تیراندازی می کردند.وی اضافه می کند: لحظه ای بسیار دردناک و دلهره آور بود، چند نفر بر زمین افتادند و بسیاری از مردم به خصوص زنان و کودکان، به داخل مسجد جامع وارد شدند. مردم بهت زده شده بودند، خشم تمام وجودشان را فراگرفته بود و از این رو به سوی ماموران حمله ور شدند و بنابراین درگیری شدیدی میان مردم و ماموران شاهنشاهی رخ داد.وی خاطر نشان می کند: آن روز زاهدان به خاک و خون کشیده شد و مردم این خطه نشان دادند که همانند دیگر مردم کشور با جان و دل برای انقلاب ایستاده اند و از آن حمایت می کنند.

همسر اولین شهید انقلاب استان در ۱۷ بهمن ۵۷:

شهادت در راه امام آرزوی «تیمور» بود

بارها از اطرافیان همسرم شنیده بودم که «تیمور» از همان کودکی به معلمی اشتیاق زیادی داشت، بعد از این که تحصیلش در دوران دبیرستان به پایان رسید وارد مراحل گزینش و استخدام شد و توانست به شغل معلمی دست پیدا کند، او آرزو داشت اولین شخصی باشد تا به دستور جهاد امام خمینی (ره) لبیک بگوید تا این که به این آرزویش هم رسید و اولین شهید انقلاب سیستان و بلوچستان لقب گرفت.این جملات صحبت های همسری صبور است که ۳۸ سال بار سنگین فقدان همسرش را به دوش می کشد، اما به این می بالد که همسرش یک شهید است. شهیدی که در راه پیروزی انقلاب اسلامی و پیروی از امام خمینی (ره) جان خود را فدا کرد. همسر شهید تیمور مرادقلی، اولین شهید انقلاب در استان در گفت و گو با «سیستان و بلوچستان» می گوید: همسرم اخلاق بسیار خوبی داشت، او مهربان، متدین، آرام، خیرخواه و عاشق امام(ره) بود. نسبت به همسایه ها بسیار مهربان بود و دوست داشت به همه کمک کند و همیشه از مستضعفان حمایت می کرد.«فرخ میرشکار» می گوید: همسرم ۲۸ سال داشت و فرزندانم محمد و محمد امین تنها یادگاری های او هستند. ۴ ماه بود که با خبر شده بودیم دومین فرزندمان در راه است که «تیمور» نام او را محمد امین گذاشت و چند روز پس از آن به شهادت رسید.وی ادامه می دهد: او معلم بود و ابتدا در روستاهای کاشمر تدریس می کرد تا این که به زاهدان آمدیم، سال ۵۷ به فرمان امام خمینی همیشه در راهپیمایی ها حضور می یافت، تا این که ۱۷ بهمن همان سال قصد داشت در راهپیمایی مردم زاهدان شرکت کند، مانع رفتنش شدم اما معتقد بود از آنجا که امام دستور داده اند باید حتما در راهپیمایی شرکت کند. او می گفت «اگر امام فرمان جهاد بدهند دوست دارم اولین شخصی باشم که در این جهاد شرکت می کنم و به شهادت برسم» که همین طور هم شد و در راهپیمایی آن روز به دست نیروهای مزدور شاه به شهادت رسید.

امروز	اوقات شرعی به افق زاهدان	فردا
۰۴:۵۳	اذان صبح	۰۴:۵۲
۰۶:۱۳	طلوع آفتاب	۰۶:۱۱
۱۱:۴۰	اذان ظهر	۱۱:۴۰
۱۷:۰۸	غروب آفتاب	۱۷:۰۹
۱۷:۲۶	اذان مغرب	۱۷:۲۷

امروز	زاهدان	فردا
۱۰ -۲	۱۱ -۱	

گفت و گو

مادر یکی از شهدای راهپیمایی ۱۷ بهمن ۵۷:

محمدرضا؛ شهید دفاع از حقوق مردم بود

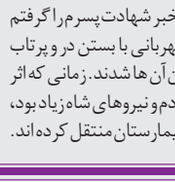

محمدرضا عاشق امام خمینی (ره) بود و از همان روزهای حضور امام در نجف، تمامی اعلامیه ها را جمع آوری و با عشق زیاد آن ها را چندین بار مرور می کرد. مادر شهید «محمدرضا رزمجو مقدم» از شهدای دوران انقلاب با اشاره به این که فرزندش مورد تعقیب نیروهای ساواک بود می افزاید: پس از شهادت ۱۷ طلبه در قم، محمدرضا با شرکت در مراسم چهلم این شهیدان که به صورت هماهنگ در دانشگاه های زاهدان، شیراز، تهران، مشهد و اصفهان برگزار شد مورد تعقیب و سوء ظن ساواک قرار گرفت اما به دلیل این که نیروهای شاه نتوانستند از فرزندم مدرکی به دست آورند دستگیر نشد.وی ادامه می دهد: در بهمن ماه ۱۳۵۷، با آمدن امام به کشور، در سیستان و بلوچستان هنوز ژاندارمری و شهربانی به عنوان نیروهای شاه فعالیت و آنچه در توان داشتند برای خاموش کردن نفرت مردم نسبت به شاه به کار می گرفتند.وی بیان می کند: امام خمینی، مهندس بازرگان را به عنوان اولین نخست وزیر انقلاب اسلامی انتخاب کرد و مردم زاهدان که همانند دیگر مردم کشور دوست داشتند هرچه سریع تر بساط رژیم شاهنشاهی برچیده شود در روز ۱۷ بهمن ماه با حضور گسترده به خیابان ها آمدند و با شعارهای «مرگ برشاه»، «ما می گیم شاه نمی خوایم نخست وزیر عوض می شه» بار دیگر نفرت خود را از شاه و دولت او نشان دادند.وی اظهار می کند: در حالی که زنان و مردان در نزدیکی مسجد جامع جمع شده بودند نیروهای ساواک با اسلحه و چوب به زن و مرد حمله کردند. در این میان به زنان و کودکان اعلام شد به داخل مسجد بروند و مردان که گروه زیادی هم بودند به هدایت پسرم در بیرون مسجد، خواهان مذاکره با نیروهای شهربانی شدند. پسرم فریاد می زد که چرا به مردم حمله می کنید، ما با شما کاری نداریم و مشغول راهپیمایی هستیم، بیایید صحبت کنیم، اما انگار حرف های او و دیگران را نمی شنیدند.این مادر که فرزندش را تقدیم انقلاب کرده است با اشاره به آخرین صحبت های خود با شهید رزمجو مقدم ادامه می دهد: زمانی که وارد مسجد شدم با وجود سیل جمعیت به دنبال محمدرضا گشتم و او را کنار مسجد دیدم، فریاد زدم پسرم بیرون نرو که نیروهای شهربانی تیراندازی می کنند و ممکن است شهید شوی، اما در پاسخ گفت که از شهادت نمی ترسم آن ها بی هیچ دلیلی به مردم حمله می کنند کسی باید با آن ها صحبت کند و آن ها را از این کار باز دارد. دوباره به بیرون مسجد رفت و نیروهای شهربانی که محمدرضا را شناسایی کرده بودند با هدف گیری او به سمتش تیراندازی کردند و او را به شهادت رساندند. گویی محمدرضا عاشق شهادت بود و خود را برای این لحظه آماده کرده بود. او شهید دفاع از حقوق مردم بود.وی با اشاره به لحظه های شهادت فرزندش می افزاید: زمانی که خبر شهادت پسرم را گرفتم قصد داشتم به سرعت از مسجد بیرون بروم که نیروهای شهربانی با بستن در و پرتاب گاز اشک آور در میان مردم حاضر در مسجد مانع بیرون رفتن آن ها شدند. زمانی که اثر گاز کم شده بود با این که در بیرون مسجد درگیری میان مردم و نیروهای شاه زیاد بود، بیرون آمدم اما پیکر فرزندم نبود و از مردم شنیدم که او را به بیمارستان منتقل کرده اند.

خبر

معاون مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران:

دو شهید در راهپیمایی ۱۷ بهمن ۵۷ تقدیم انقلاب شد

۱۷ بهمن ماه ۵۷ زاهدان شاهد درگیری های خونین بود که در همین روز شهیدان تیمور مرادقلی و رزمجو مقدم به شهادت رسیدند و عده زیادی هم مجروح و روانه بیمارستان شدند. معاون تعاون و امور اجتماعی اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز در این باره به خبرنگار ما گفت: دهه فجر فرصتی است که مسئولان یاد و خاطر شهدای انقلاب اسلامی را زنده نگهدارند که به همین منظور دیدار و دلجویی از این خانواده ها به طور ویژه انجام می شود و هر سال در این روز مردم و مدیران دستگاه های مربوط به دیدار خانواده شهدا می روند. «غلامعلی ثموری» افزود: هر سال در دهه فجر این ویژه برنامه ها تدارک دیده می شود که امسال نیز دیدار با خانواده شهید مرادقلی و شهید رزمجو مقدم که شهدای ۱۷ بهمن ماه ۵۷ هستند در برنامه است و به همراه امامان جمعه، مسئولان و مدیران این اداره کل در روز ۲۲ بهمن ماه میزبان خانواده شهید مرادقلی خواهیم بود و چون خانواده شهید رزمجو مقدم در استان ساکن نیستند امکان دیدار حضوری با آن ها وجود ندارد. وی تصریح کرد: برگزاری طرح های فجر آفرینان که در قالب آن از ۱۲ تا ۲۲ بهمن هر روز مسئولان به دیداریکی از خانواده شهدای استان می روند در حال انجام است. همچنین در راستای طرح سپاس از ۲۲ بهمن ماه که پیروزی انقلاب اسلامی است تا ۲۲ اسفند ماه سالروز تاسیس بنیاد شهید ۲۴۰ خانواده شهید و ایثارگر تجلیل خواهند شد. وی خاطر نشان کرد: هر سال یادواره های مختلفی در استان در این ایام برگزار می شود که یادواره بزرگداشت شهید مرادقلی، اولین شهید انقلاب که در ۱۷ بهمن ۵۷ به شهادت رسید در دانشگاه پیام نور زاهدان و با حضور جمع زیادی از دانشجویان، مردم و مسئولان برگزار شد.